

Investigating the relationship of participatory and individual learning with the rate of social skills of human students

B. Faghiharam^{1*}, R. Fathi², M.Zargham³

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran; 2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Meybod University, Yazd, Iran; 3. Assistant Professor, Ministry of Science, Research and Technology, Iran

بررسی بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان رشته علوم

انسانی

بتول فقیه آرام^{۱*}، رضا فتحی^۲، محسن زرغام^۳

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی،

اسلامشهر، ایران

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه میبد، یزد، ایران

۳. استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ایران

Abstract

Purpose: The purpose of this study was to investigate the relationship between participatory and individual learning with the rate of social skills of third year students of humanities in Mahdasht by descriptive-analytical method. The statistical population in this research was 479 third-year students of humanities in Mahdasht city who were selected by multistage cluster sampling method of 136 people. To collect the data about participatory learning from the Moghimi and Ramadan questionnaires (2013), for individual learning, a researcher made questionnaire and social skills questionnaire were used from Gersham and Elliot (1999) questionnaires and their reliability was measured by Cronbach's alpha coefficient Respectively 0.80, 0.81 and 0.84 was obtained. For data analysis, Pearson correlation tests were used. The results of Pearson correlation test indicate that there is a positive and significant relationship between participatory learning and individual learning with the growth rate of social skills of students. This means that the more individual and collaborative learning at a higher level, the higher the student's social skills and variables.

Key words: Participatory learning, Individual learning, Social skills

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. جامعه آماری در این پژوهش، ۴۷۹ نفر از دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبق جدول مورگان ۲۱۴ نفر انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌های مربوط به یادگیری مشارکتی از پرسشنامه مقیمی و رمضان (۱۳۹۲)، برای یادگیری انفرادی از پرسشنامه محقق ساخته و مهارت اجتماعی از پرسشنامه گرشام و الیوت (۱۹۹۹) استفاده گردید و پایایی آن‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ به دست آمد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج آزمون همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین یادگیری مشارکتی و یادگیری انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معنی است که هر چه یادگیری مشارکتی و انفرادی در سطح بالاتری باشد، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن نیز بالاتر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، یادگیری انفرادی، مهارت‌های اجتماعی

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۹

Accepted Date: 2018/09/20

Received Date: 2018/01/10

مقدمه و بیان مسئله

بدون تردید، یکی از اهداف و وظایف آموزش و پرورش، آماده کردن دانش‌آموزان برای پذیرفتن و درک تحولات علمی دنیای آینده است. با وجود این، مهم‌ترین هدف آن، شکوفا کردن کامل شخصیت دانش‌آموزان و پرورش ارزش‌های متعالی است. برآوردن این نیاز که چندان آسان نیست، مستلزم گسترش آموزش و پرورش و به‌کارگیری شیوه‌هایی است که بر یافته‌های علمی، عقلی و اصولی مبتنی باشد تا افراد متخصص موردنیاز جامعه را تربیت کند. آینده هر جامعه‌ای به کیفیت و کارایی آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد و بازدهی نظام آموزش و پرورش هر کشور به شناخت عوامل مؤثر در کیفیت تدریس و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس وابسته است (Abbasi Asl et al., 2016). امروزه به علت گذر از مرحله مدرنیسم، ساختار آموزش در آستانه تحول تاریخی و جدا شدن از شرایط کنونی آن است. نظام آموزشی به دلیل ضرورت سازگاری با تحولاتی که در همه عرصه‌ها شاهد آن هستیم، ناگزیر به بازنگری در فرایند آموزش و یادگیری است؛ زیرا استفاده از روش‌های سنتی مانند سخنرانی محض، زمینه‌های لازم برای رشد اجتماعی و شخصیت دانش‌آموزان را فراهم نمی‌کنند و تربیت دانش‌آموزانی غیرفعال متکی بر محفوظات نمی‌تواند آنان را برای دنیای پیچیده آینده آماده سازد (Sepehrian Azar, 2016). امروزه موضوع روش‌های آموزشی فعال، یادگیری فعال و یادگیرنده فعال جایگاه ویژه‌ای در مباحث تربیتی پیدا کرده است (Bhat and Rajashree, 2017). به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، نه تنها بهتر فرامی‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند؛ زیرا آن‌ها به جای اینکه شنونده صرف باشند، فعالانه در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند. در فعالیت‌های مشارکتی، یادگیرنده استقلال خود را حفظ می‌کند و به روابط بسیار مثبت‌تر با هم‌تابان و موفقیت علمی بالاتر دست می‌یابد. در چنین رده‌هایی، اهداف بر مبنای موفقیت برنامه‌ریزی شده‌اند و یادگیرنده به اولویت‌ها و ارزش‌هایی که به وسیله معلم و فشار اجتماعی بر محیط کلاس اعمال می‌شود، آگاهی دارد. این چنین رده‌های ساختاریافته، بر شرایط انگیزشی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. رویکردهای فعال یادگیری بیان می‌کنند که ویژگی‌های فطری انسان، او را برای درگیری فعال با محیط اجتماعی و فیزیکی آماده می‌کنند. براساس این رویکردها، انسان در ذات موجودی فعال و علاقه‌مند به یادگیری و درونی سازی دانش است. این تمایلات فطری به کنجکاوی و کسب دانش، می‌تواند وسیله مهمی برای متخصصان تعلیم و تربیت برای هدایت یادگیری و رشد دانش‌آموزان باشد (Lavasani et al., 2014). یکی از روش‌هایی که با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده، اثربخشی خود را در تکامل همه‌جانبه فراگیران نشان داده، روش یادگیری مشارکتی است. یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین یاددهی و یادگیری است که در برخی نظام‌های آموزشی دنیا به‌عنوان جایگزینی برای پایان دادن به حاکمیت روش‌های سنتی شناخته شده است. در این روش، دانش‌آموزان به صورت گروهی در انجام وظایف مشترک کار می‌کنند و از این راه، کار خود را

اثربخش می‌کنند. گروه‌ها معمولاً ۳ یا ۱ نفره هستند و از رفتارهای اجتماعی و مشارکتی برای اجرای وظایف مشترک یا فعالیت‌های یادگیری استفاده می‌کنند، فراگیران به‌طور مثبت به هم وابسته‌اند و علاوه بر جنبه اجتماعی به‌طور انفرادی مسئول یا پاسخگوی کار خود هستند (Abbasi Asl et al., 2016). Klimoviene and Statkeviciene (2006) در یافته‌های پژوهش خود اذعان می‌دارند که نه‌تنها یادگیری مشارکتی در زمینه بهبود مهارت‌های اجتماعی بسیار موفق است؛ بلکه تأثیر بسیار مهم‌تری که دارد، این است که دانش‌آموزان و یا دانشجویان را برای زندگی در یک دنیای واقعی آماده می‌کند. Waiganjo (2006) تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی را بررسی کرد و نتایج پژوهش گویای تأثیرات مثبت یادگیری مشارکتی در افزایش پیشرفت تحصیلی و کسب مهارت‌های اجتماعی بوده است. همچنین، رویکرد یادگیری انفرادی از دیگر روش‌های آموزش سنتی است طرفداران آن معتقدند که این رویکرد میزان موفقیت فرد در رسیدن به هدف را افزایش می‌دهد، درگیری دانش‌آموزان در کلاس را کمتر می‌کند، شخصیت فرد از طریق فعالیت انفرادی و مستقل توسعه و تقویت می‌شود و در نهایت مشکلات ناشی از بی‌انضباطی در کلاس را کمتر می‌کند (Shams et al., 2013). در نظام آموزشی ایران، معلمان با تکیه بر روش‌های سنتی به‌ویژه سخنرانی، شاگردان را به حفظ و تکرار مفاهیم علمی ترغیب می‌کنند و علیرغم اینکه در محافل علمی، تربیتی و حتی اجرایی، صحبت از فعال بودن شاگردان، رشد فکری و آزاداندیشی می‌شود، اما به‌واقع، چنین نظرگاه‌هایی جنبه شعارگونه به خود گرفته و در مقام عمل، نه‌تنها گام مؤثری در این راستا برداشته نمی‌شود، بلکه اغلب اوقات همکاری و رفاقت به‌نوعی رقابت تبدیل شده که نتیجه آن افزایش حس حسادت، کینه‌توزی و دشمنی در بین دانش‌آموزان است و این سبک غالب در اکثر آموزش‌های کلاسی سنتی است؛ به این معنا که شاگردان در زمینه یادگیری مفاهیم درسی کمتر با موقعیت‌های چالش‌آور مواجه می‌شوند، فرصت‌های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری و بحث و گفتگوی معلم با شاگردان و شاگردان با یکدیگر فراهم می‌شود، دانش‌آموزان به یادگیری طوطی‌وار ترغیب می‌شوند، رقابت جایگزین همکاری می‌شود و احتمال خطر جمع‌گریزی در بین شاگردان افزایش می‌یابد (Jafari Sani et al., 2016). Behnam Moghadam, and Mousavipour (2016) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی چندرسانه‌ای آموزشی مطالعات اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به این نتیجه دست یافتند که آموزش از چندرسانه‌ای آموزشی تولیدشده در درس مطالعات اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های اجتماعی آزمودنی‌های گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری تأثیر داشت. Jafari Sani et al (2016) در پژوهش خود با عنوان تأثیر روش تدریس تفحص گروهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که آموزش با استفاده از روش تدریس تفحص گروهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به‌طور کلی و مؤلفه مهارت اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشی، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان تأثیر داشته و سبب

بهبود این مؤلفه‌ها شده است. لذا این پژوهش استفاده از الگوهای اجتماعی همچون روش تدریس تفحص گروهی را به‌منظور بهبود مهارت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند.

Rahimimand and Abbaspour (2016) در پژوهش خود با عنوان رابطه روش‌های تدریس (مباحثه گروهی، پرسش و پاسخ، نمایش علمی و سخنرانی) با انگیزه پیشرفت در دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که دانشجویانی که با روش مباحثه گروهی آموزش می‌بینند انگیزه پیشرفت بیشتری از خود نشان می‌دهند. بر همین اساس به ترتیب روش‌های نمایش علمی، پرسش و پاسخ بر انگیزه پیشرفت دانشجویان تأثیرگذار بودند؛ بنابراین دانشجویانی که با شیوه‌های نوین آموزش می‌بینند به انگیزه پیشرفت بیشتری دست می‌یابند. Sepehrian Azar (2016) در پژوهش خود با عنوان تأثیر روش یادگیری مشارکتی جیگساو بر نیازهای اساسی روان‌شناختی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافت که روش جیگساو اثر مثبتی بر نیاز به خودمختاری و ارتباط و شایستگی دارد. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش از نظریه خودتعیین‌گری حمایت کردند و نشان دادند که محیط‌های حامی خودمختاری از قبیل روش تدریس جیگساو اثر مثبتی بر برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی دارند. Yazdani et al (2014) در پژوهش خود با عنوان بررسی تأثیر آموزش به کمک رایانه (CAI) در مقایسه با روش آموزش سنتی بر یادگیری زبان انگلیسی سال دوم دبیرستان‌های دخترانه ناحیه ۱ تبریز به این نتیجه دست یافتند که آموزش به کمک رایانه بر یادگیری زبان انگلیسی (دستور و ساختار جملات، مهارت‌های نوشتاری، درک مطلب و لغات و اصطلاحات) مؤثر است. López-Mondéjar et al (2017) در پژوهش خود با عنوان توسعه مهارت‌های هیجانی-اجتماعی از طریق یادگیری مشارکتی در محیط دانشگاه به این نتیجه دست یافتند که از طریق یادگیری مشارکتی همدلی و اعتمادبه‌نفس بیشتر در میان اعضای گروه یافت می‌شود. همچنین در پذیرش دیدگاه‌های مخالف خود دارای انسجام بیشتری هستند و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مثبتی بین استفاده از روش مشارکتی و بهبود مهارت‌های اجتماعی وجود دارد. Pawattana et al (2014) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی و سطح خودکارآمدی دانشجویان تربیت‌معلم تربیت‌بدنی به این نتیجه دست یافتند که رابطه مثبت و معناداری بین مهارت‌های مدیریتی و خودکارآمدی در بین دانشجویان تربیت‌معلم تربیت‌بدنی وجود دارد.

Lavasan et al., 2014 در پژوهش خود با عنوان تأثیر یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی به این نتیجه دست یافتند که مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری بیشتر از گروه کنترل بود. نتایج همچنین نشان داد روش یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش سنتی تأثیر بیشتری بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد. شواهد

تحقیقاتی نشان می‌دهد که بیشتر مسائلی که در روش سنتی و غیرفعال به چشم می‌خورد در رویکرد مشارکتی به حداقل می‌رسد. مطالعه دیگری نیز نشان داد دانش‌آموزانی که در گروه‌های یادگیری مشارکتی به یادگیری می‌پردازند نسبت به کسانی که به‌طور انفرادی یاد می‌گیرند پیشرفت تحصیلی و احساس مسئولیت بیشتری دارند (Keramati, 2007). لذا به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی بین یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت می‌پردازد.

۱. بین یادگیری مشارکتی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۲. بین یادگیری انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۳. آیا مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت از طریق متغیرهای یادگیری مشارکتی و انفرادی قابل پیش‌بینی است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در حیطه پژوهش‌های توصیفی است و در جمله تحقیقات همبستگی قرار می‌گیرد. نظر به اینکه پژوهش حاضر به توسعه دانش کاربردی در زمینه بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت (استان البرز) می‌پردازد، این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ داده‌ها کمی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع همبستگی هست. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ تشکیل داده‌اند که مجموعاً تعداد آن‌ها ۴۷۹ نفر برآورد گردید. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای طبق جدول مورگان ۲۱۴ نفر انتخاب گردید. در پژوهش حاضر از آمار استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش آماری مورد استفاده شامل، ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون است. یادگیری مشارکتی Moghimi and Ramezani (2013) که شامل ۱۳ سؤال و سه مؤلفه (پویایی‌های گروهی، انجام کار بروی پروژه، بازخورد) با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت است که در تحقیق خود ضریب پایایی این آزمون را استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه یادگیری انفرادی

این پرسشنامه دارای ۱۹ سؤال است و برای هر گزینه کاملاً موافقم ۵ امتیاز، موافقم ۴ امتیاز، نه موافقم نه مخالفم ۳ امتیاز، مخالفم ۲ امتیاز و کاملاً مخالفم ۱ امتیاز در نظر گرفته شده است.

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی

این پرسشنامه توسط Gresham and Elliott (1990) تدوین شده است. خرده آزمون‌های این بخش از مقیاس به‌قرار زیر است:

۱- همکاری: این خرده‌آزمون شامل رفتارهایی نظیر مشارکت با دیگران، پیروی از دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌هاست.

۲- قاطعیت: این خرده‌آزمون مشتمل بر رفتارهای آغازگر، نظیر کسب اطلاع از دیگران، معرفی خود به دیگران و پاسخ مناسب به رفتار دیگران است.

۳- خویشتن‌داری: این خرده‌آزمون شامل رفتارهایی است که در موقعیت‌های دشوار (نظیر مسخره شدن) مستلزم رفتار معقول از سوی دانش‌آموز است و همچنین دربرگیرنده رفتارهایی است که در موقعیت‌های دشوار ضروری به نظر می‌رسد.

مؤلفه‌های مقیاس مهارت رفتاری

۱. رفتار بیرونی

۲. رفتار درونی

۳. بیش‌فعالی

پایایی این پرسشنامه در پژوهش ۸۲٪ به‌دست آمد که حاکی از پایایی بسیار مطلوب پرسشنامه است.

پایایی و روایی

برای بررسی پایایی قبل از جمع‌آوری نمونه اصلی یک پیش‌نمونه به حجم مناسب جمع‌آوری می‌شود و پایایی سؤالات پرسشنامه توسط اطلاعات جمع‌آوری‌شده از نمونه موردبررسی قرار می‌گیرد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از یک نمونه اولیه با حجم ۳۰ استفاده شده است.

در جدول زیر ضریب آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS22 محاسبه‌شده است. اگر مقدار آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، نشان‌دهنده پایا بودن سؤالات مطرح شده است.

جدول (۱): جدول مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش

آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات	متغیر
۰/۷۶۸	۵	پویایی‌های گروهی
۰/۷۵۳	۵	انجام کار بر روی پروژه
۰/۷۴۶	۳	بازخورد
۰/۸۰۶		آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه یادگیری مشارکتی
۰/۸۱۷		آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه یادگیری انفرادی
۰/۷۹۳	۱۰	همکاری

۰/۸۱۶	۱۰	قاطعیت
۰/۷۸۶	۱۰	خویشترداری
۰/۷۷۴	۶	رفتار بیرونی
۰/۷۶۷	۶	رفتار درونی
۰/۷۷۲	۶	بیش فعالی
۰/۸۴۴		آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی

همان‌طور که از داده‌های جدول بالا مشخص است میزان ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده در تمامی موارد بزرگ‌تر از ۰/۷ است که از اعتبار بالایی هر سه پرسشنامه حکایت دارد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها هم از طریق اساتید مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها و جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است.

فرضیه اول: بین یادگیری مشارکتی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت (استان البرز) رابطه وجود دارد. برای بررسی تأثیر متغیرهای یادگیری مشارکتی (متغیرهای مستقل) بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان (متغیر وابسته) از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جداول زیر داده شده است.

جدول (۲): خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره به شیوه هم‌زمان تأثیر متغیرهای یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی

خطای انحراف استاندارد تخمین	ضریب تعیین شده adj R2	ضریب تعیین R2	ضریب همبستگی
۱۰/۲۶۸	۰/۳۹۵	۰/۴۰۸	۰/۶۳۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد ضریب همبستگی متغیرهای یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ۰/۶۳۹ است. همچنین با توجه به میزان ضریب تعیین R2 مشخص می‌شود که متغیرهای یادگیری مشارکتی در مجموع ۴۰/۸ درصد واریانس مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول (۳): جدول آنالیز واریانس برای بررسی کفایت مدل رگرسیونی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری
مدل رگرسیونی	۹۶۱۱/۹۳۶	۲	۳۲۰۳/۹۷۹		
باقیمانده	۱۳۹۱۸/۱۸۲	۱۳۳	۱۰۵/۴۴۱	۳۰/۳۸۷	۰/۰۰۱
کل	۲۳۵۳۰/۱۱۸	۱۳۵			

با توجه به داده‌های جدول ۳، سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه مدل رگرسیونی برازش داده شده از کفایت مناسبی برخوردار است.

جدول (۴): ضرایب مسیرهای رگرسیونی و آزمون معناداری ضرایب

شاخص	ضرایب غیراستاندارد		ضریب استاندارد B	مقدار آماره t	سطح معناداری
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	۴۷/۸۶۵	۶/۰۷۲	---	۷/۸۸۲	۰/۰۰۱
پویایی‌های گروهی	۱/۱۸۱	۰/۳۳۸	۰/۲۵۶	۳/۴۹۷	۰/۰۰۱
انجام کار بر روی پروژه	۰/۹۹۶	۰/۳۱۲	۰/۲۵۴	۳/۱۹۱	۰/۰۰۲
بازخورد	۲/۴۷۸	۰/۵۹۹	۰/۳۱۹	۴/۱۴۰	۰/۰۰۱

همان‌طور که از داده‌های جدول ۴ مشخص است، سطح معناداری برای تمامی موارد کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. نتیجه می‌شود که بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر هستند. با توجه به ستون ضرایب B مشخص است که؛ متغیر «بازخورد» با ضریب $\beta = 0/319$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه اول، متغیر «پویایی‌های گروهی» با ضریب $\beta = 0/256$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه دوم و متغیر «انجام کار بر روی پروژه» با ضریب $\beta = 0/254$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه سوم قرار دارند. با توجه به مثبت بودن مقادیر ضرایب B متغیرهای یادگیری مشارکتی نتیجه می‌شود که رابطه بین این متغیرها و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مستقیم است. برای بررسی رابطه بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی پارامتری پیرسون استفاده خواهد شد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۵ داده شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون همبستگی بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

مقدار همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
۰/۶۲۵	۰/۰۰۱	رابطه معنادار

همان‌طور که از داده‌های جدول ۵ مشخص است، سطح معناداری آزمون همبستگی بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن کمتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه رابطه بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار است. با توجه به مثبت بودن مقادیر همبستگی نتیجه می‌شود که این همبستگی مستقیم است. و این بدان معنی است که هر چه یادگیری مشارکتی در سطح بالاتری باشد، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن نیز بالاتر خواهد بود. فرضیه دوم: بین یادگیری انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت (استان البرز) رابطه وجود دارد.

برای بررسی تأثیر یادگیری انفرادی (متغیرهای مستقل) بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان (متغیر وابسته) از رگرسیون دومتغیره استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جدول زیر ذکر شده است.

جدول (۶): نتایج تحلیل رگرسیون دومتغیره تأثیر یادگیری انفرادی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

گویه	β	β		آماره آزمون t	سطح معناداری	R	R^2	آزمون معناداری	
		(استاندارد شده)	---					رگرسیون	آماره F
ضریب ثابت	۴۲/۶۶۸	---	---	۴/۵۸۸	۰/۰۰۱	۰/۴۹۹	۰/۲۴۹	۴۴/۵۳۲	۰/۰۰۱
یادگیری انفرادی	۱/۰۴۶	۰/۴۹۹	---	۶/۶۷۳	۰/۰۰۱				

با توجه به مقدار آماره آزمون F و سطح معناداری مربوطه، نتیجه می‌شود که رگرسیون معنادار است. همچنین ضریب تعیین برابر ۰/۲۴۹ به دست آمده است که بیانگر آن است که ۲۴/۹ درصد از تغییرات مربوط به مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان توسط یادگیری انفرادی قابل تبیین و توضیح است. با توجه به ضرایب β به دست آمده، می‌توان رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بررسی را به صورت زیر فرمول‌بندی نمود:

$$(\text{یادگیری انفرادی}) \times ۱/۰۴۶ + ۴۲/۶۶۸ = \text{مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان}$$

با توجه به مثبت بودن مقدار β ، یادگیری انفرادی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

مهارت‌های اجتماعی توسط ۶ متغیر (همکاری، قاطعیت، خویشتن‌داری، رفتار بیرونی، رفتار درونی و بیش‌فعالی) مورد سنجش قرار گرفته است. برای بررسی رابطه بین یادگیری انفرادی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف و نرمال بودن

داده‌ها از ضریب همبستگی پارامتری پیرسون استفاده خواهد شد. نتایج مربوط به این آزمون در جدول ۷ داده شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون همبستگی بین یادگیری انفرادی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

نتیجه	سطح معناداری	مقدار همبستگی
رابطه معنادار	۰/۰۰۱	۰/۴۹۹

همان‌طور که از داده‌های جدول ۷ مشخص است، سطح معناداری آزمون همبستگی کمتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه رابطه بین یادگیری انفرادی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار است. با توجه به مقدار همبستگی (۰/۴۹۹) نتیجه می‌شود که این همبستگی مستقیم و نسبتاً شدید است. و این بدان معنی است که هر چه یادگیری انفرادی در سطح بالاتری باشد، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز بالاتر خواهد بود.

فرضیه سوم: مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت (البرز) از طریق متغیرهای یادگیری مشارکتی و انفرادی پیش‌بینی می‌شود.

برای پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان (متغیر وابسته) توسط دو شاخص یادگیری مشارکتی و انفرادی (متغیرهای مستقل) از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در جداول زیر داده شده است.

جدول (۸): خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره به شیوه هم‌زمان پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی توسط

یادگیری مشارکتی و انفرادی

خطای انحراف استاندارد تخمین	ضریب تعیین شده adj R2	ضریب تعیین R2	ضریب همبستگی
۹/۹۱۶	۰/۴۳۶	۰/۴۴۴	۰/۶۶۶

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد ضریب همبستگی یادگیری مشارکتی و انفرادی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ۰/۶۶۶ است. هم‌چنین با توجه به میزان ضریب تعیین R2 مشخص می‌شود که یادگیری مشارکتی و انفرادی در مجموع ۴۴/۴ درصد واریانس مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول (۹): جدول آنالیز واریانس برای بررسی کفایت مدل رگرسیونی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری
مدل رگرسیونی	۱۰۴۵۰/۶۸۱	۲	۵۲۲۵/۳۴۰	۵۳/۱۳۵	0/001
باقیمانده	۱۳۰۷۹/۴۳۷	۱۳۳	۹۸/۳۴۲		

با توجه به داده‌های جدول ۹، سطح معناداری آزمون کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه مدل رگرسیونی برازش داده‌شده از کفایت مناسبی برخوردار است.

جدول (۱۰): ضرایب مسیرهای رگرسیونی و آزمون معناداری ضرایب

سطح معناداری	مقدار آماره t	ضریب استاندارد B	ضرایب غیراستاندارد		شاخص
			انحراف معیار	B	
۰/۰۰۱	۳/۴۸۶	--	۸/۲۸۴	۲۸/۸۷۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۶/۸۲۶	۰/۵۰۱	۰/۱۵۷	۱/۰۷۱	یادگیری مشارکتی
۰/۰۰۱	۳/۵۵۹	۰/۲۶۱	۰/۱۵۴	۰/۵۴۸	یادگیری انفرادی

همان‌طور که از داده‌های جدول ۹ مشخص است، سطح معناداری برای تمامی موارد کوچک‌تر از مقدار ۰/۰۵ است و نتیجه می‌شود که بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر هستند. با توجه به ستون ضرایب B مشخص است که؛ شاخص «یادگیری مشارکتی» با ضریب $\beta = 0/501$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه اول، شاخص «یادگیری انفرادی» با ضریب $\beta = 0/261$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه دوم قرار دارند. با توجه به مثبت بودن مقادیر ضرایب B یادگیری مشارکتی و یادگیری انفرادی نتیجه می‌شود که رابطه بین این دو شاخص با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مستقیم است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و انفرادی با میزان رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان سال سوم رشته علوم انسانی شهر ماهدشت بود. نتایج فرضیه اول حاکی از آن بود که سطح معناداری آزمون همبستگی بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن کمتر از مقدار ۰/۰۵ است؛ در نتیجه رابطه بین یادگیری مشارکتی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار است. با توجه به مثبت بودن مقادیر همبستگی (۰/۶۲۵) نتیجه می‌شود که این همبستگی مستقیم است. و این بدان معنی است که هر چه یادگیری مشارکتی در سطح بالاتری باشد، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و متغیرهای آن نیز بالاتر خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش‌های قبلی را تأیید می‌نماید. Behnam Moghadam, and Mousavipour (2016) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی چندرسانه‌ای آموزشی مطالعات اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به این نتیجه دست یافتند که آموزش از چندرسانه‌ای آموزشی تولیدشده در درس مطالعات اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی و رشد مهارت‌های

اجتماعی آزمودنی‌های گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری تأثیر داشت. Jafari Sani et al (2016) در پژوهش خود با عنوان تأثیر روش تدریس تفحص گروهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که آموزش با استفاده از روش تدریس تفحص گروهی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به‌طور کلی و مؤلفه مهارت اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشی، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان تأثیر داشته و سبب بهبود این مؤلفه‌ها شده است. Ghafari and Kazempour (2012) در پژوهش خود با عنوان تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که روش مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام، انجام‌وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست‌یابی، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی در دانش‌آموزان تأثیر داشته، درحالی‌که در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیر ندارد. این پژوهش‌ها یافته‌های این مطالعه مبنی بر یادگیری مشارکتی و انفرادی در مجموع ۴۴/۴ درصد واریانس مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند را تأیید می‌نماید. López-Mondéjar et al (2017) در پژوهش خود با عنوان توسعه مهارت‌های هیجانی - اجتماعی از طریق یادگیری مشارکتی در محیط دانشگاه به این نتیجه دست یافتند که از طریق یادگیری مشارکتی همدلی و اعتمادبه‌نفس بیشتر در میان اعضای گروه یافت می‌شود. همچنین در پذیرش دیدگاه‌های مخالف خود دارای انسجام بیشتری هستند و می‌توان نتیجه گرفت که رابطه مثبتی بین استفاده از روش مشارکتی و بهبود مهارت‌های اجتماعی وجود دارد. با توجه به نتیجه این فرضیه در تبیین آن می‌توان گفت که یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین یاددهی و یادگیری است که در برخی نظام‌های آموزشی دنیا به‌عنوان جایگزینی برای پایان دادن به حاکمیت روش‌های سنتی شناخته‌شده است. در این روش، دانش‌آموزان به‌صورت گروهی در انجام وظایف مشترک کار می‌کنند و از این راه، کار خود را اثربخش می‌کنند. Klimoviene and Statkeviciene (2006) در یافته‌های خود اذعان می‌دارند که نه‌تنها یادگیری مشارکتی در زمینه بهبود مهارت‌های اجتماعی بسیار موفق است؛ بلکه تأثیر بسیار مهم‌تری که دارد، این است که دانش‌آموزان و یا دانشجویان را برای زندگی در یک دنیای واقعی آماده می‌کند. Waiganjo (2006) تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی را بررسی کرد و نتایج پژوهش گویای تأثیرات مثبت یادگیری مشارکتی در افزایش پیشرفت تحصیلی و کسب مهارت‌های اجتماعی بوده است. بنابراین نتایج، مدارس باید در کاربرد یادگیری مشارکتی دقت داشته باشند و از آن در جهت بهبود هر چه بیشتر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان استفاده نمایند. نتایج فرضیه دوم تحقیق نیز نشان داد که سطح معناداری آزمون همبستگی کمتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه رابطه بین یادگیری انفرادی با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در سطح معناداری ۹۵ درصد معنادار است. با توجه به مقدار همبستگی (۰/۴۹۹) نتیجه می‌شود که این همبستگی مستقیم و نسبتاً شدید است. و این بدان

معنی است که هر چه یادگیری انفرادی در سطح بالاتری باشد، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز بالاتر خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاضر، نتایج پژوهش‌های قبلی را تأیید می‌نماید. Hakimzadeh et al (2014) در پژوهش خود با عنوان بررسی تأثیر روش تدریس مشارکتی با به‌کارگیری تقویت فردی و گروهی بر پیشرفت یادگیری زبان انگلیسی به این نتیجه دست یافتند که دانش‌آموزانی که با روش مشارکتی و پاداش گروهی آموزش داده شده‌اند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که تحت روش مشارکتی و پاداش فردی بودند، عملکرد یکسانی در آزمون پیشرفت تحصیلی داشته‌اند. همچنین نتایج تحلیل نشان داد در مقایسه بین دانش‌آموزانی که به روش یادگیری مشارکتی و سنتی آموزش دیده‌اند، ارتباط معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر یافته‌های تحقیق حاکی از تأثیر قابل‌توجه روش یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی زبان انگلیسی در گروه آزمایشی، نسبت به گروه کنترل بود که به روش سنتی آموزش دیده بودند. Lavasani et al (2014) در پژوهش خود با عنوان تأثیر یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر مدارس ابتدایی به این نتیجه دست یافتند که مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری بیشتر از گروه کنترل بود. نتایج همچنین نشان داد روش یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش سنتی تأثیر بیشتری بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که بسیاری از روانشناسان تربیتی و مربیان آموزشی اعتقاد دارند که موقعیت یادگیری باید آن‌چنان سازمان‌دهی شود که هر دانش‌آموز بر اساس توانایی‌های خود به فعالیت و یادگیری بپردازد. برای رسیدن به چنین هدفی الگوی آموزش انفرادی، الگوی بسیار مناسبی است، زیرا در این الگو دانش‌آموزان برحسب توانایی‌هایشان پیش می‌روند و معلمان نیز وقت کمتری صرف تدریس و زمان بیشتری صرف رسیدگی به فرد دانش‌آموزان می‌کنند. البته اولین و اساسی‌ترین گام در راه تحقق چنین هدفی پذیرفتن مفهوم «دانش‌آموز محوری» در طراحی و آموزش است. در بسیاری از مواقع دستیابی به هدف‌های آموزشی از طریق آموزش انفرادی بسیار آسان‌تر و امکان‌پذیرتر از روش‌های دیگر است، به‌ویژه اگر آموزش انفرادی به‌طور صحیح استفاده شود، روحیه استقلال‌طلبی دانش‌آموزان در اجرای پروژه‌های کوچک و بزرگ تقویت می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت معلمان در کنار یادگیری مشارکتی باید در جهت توسعه استقلال فردی دانش‌آموزان نیز از یادگیری انفرادی استفاده نمایند. با توجه به ضرایب بتا مشخص شد که شاخص «یادگیری مشارکتی» با ضریب $\beta = 0.501$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه اول، شاخص «یادگیری انفرادی» با ضریب $\beta = 0.261$ از لحاظ تأثیرگذاری در رتبه دوم قرار دارند. با توجه به مثبت بودن مقادیر ضرایب بتا، یادگیری مشارکتی و یادگیری انفرادی نتیجه می‌شود که رابطه بین این دو شاخص با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مستقیم است. Badri Gargari et al (2011) در پژوهش خود با عنوان مقایسه تأثیر روش تدریس مبتنی بر تفکر فعال (روش مشارکتی) و روش تدریس سنتی در یادگیری درس مطالعات اجتماعی دانش‌آموزان پسر به این نتیجه دست یافتند که بین نمرات یادگیری کلی، عمیق

و سطحی هر دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر روش تدریس مشارکتی در افزایش یادگیری کلی، عمیق و سطحی دانش‌آموزان تأثیر گذاشته و نسبت به روش سنتی اثربخش بوده است. Ghafari and Kazempour (2012) در پژوهش خود با عنوان تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به این نتیجه دست یافتند که روش مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به احترام، انجام وظیفه، همکاری با دیگران، رعایت مقررات، دوست‌یابی، مسئولیت‌پذیری، فعالیت‌های گروهی در دانش‌آموزان تأثیر داشته، در حالی که در رشد مهارت‌های اجتماعی مربوط به تحمل‌پذیری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان تأثیر ندارد. از این رو، پیشنهاد می‌شود برای ایجاد و پرورش این مهارت‌ها در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی، طراحان و برنامه‌ریزان درسی، در پی تدوین برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی بر اساس این رویکرد باشند. بنابراین در تبیین این فرضیه می‌توان گفت به اعتقاد کارشناسان تعلیم و تربیت، دانش‌آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند، نه تنها بهتر فرامی‌گیرند بلکه از یادگیری لذت بیشتری هم می‌برند؛ زیرا آن‌ها به جای اینکه شنونده صرف باشند، فعالانه در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند و خود را مسئول یادگیری خویش می‌دانند. در فعالیت‌های مشارکتی، یادگیرنده استقلال خود را حفظ می‌کند و به روابط بسیار مثبت‌تر با هم‌تایان و موفقیت علمی بالاتر دست می‌یابد. در چنین رده‌هایی، اهداف بر مبنای موفقیت برنامه‌ریزی شده‌اند و یادگیرنده به اولویت‌ها و ارزش‌هایی که به وسیله معلم و فشار اجتماعی بر محیط کلاس اعمال می‌شود، آگاهی دارد. این چنین رده‌های ساختاریافته، بر شرایط انگیزشی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. رویکردهای فعال یادگیری بیان می‌کنند که ویژگی‌های فطری انسان، او را برای درگیری فعال با محیط اجتماعی و فیزیکی آماده می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که باید در توسعه هر چه بیشتر یادگیری مشارکتی و انفرادی در مدارس اقدام کرد. با توجه به فرضیه اول پیشنهاد می‌گردد که با تقویت یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان از دوران مدرسه زمینه لازم را برای پرورش مهارت‌های اجتماعی را در آن‌ها به وجود آورد تا شاهد رفتارهای درست و منطبق با ارزش‌های جامعه از سوی دانش‌آموزان باشیم. همچنین با توجه به فرضیه دوم پیشنهاد می‌گردد که با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای دانش‌آموزان زمینه لازم برای ارتقاء مهارت‌های اجتماعی و خود توسعه‌ای دانش‌آموزان فراهم آورد. با توجه به فرضیه سوم نیز پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش زمینه‌های کاربردی لازم را برای استفاده از نتایج این روش‌های تدریس آماده نماید.

منابع

- Abbasi Asl, R., Saadipour, E., Asadzadeh, H. (2016). Comparison of the effectiveness of three participatory learning methods on social skills of female girl students. *Journal of Educational Approaches*, 11:105-124. [In Persian]

- Badri Gargari, R., Rezaei, A., Jedi Gargari, J. (2011). Comparison of the Effect of Active Thinking Teaching (Collaborative Method) and Traditional Teaching Methods in Learning Social Studies Lessons in Male Students. *Training and evaluation*, 4 (16): 107-120. [In Persian]
- Behnam Moghadam, M., Mousavipour, S. (2016). The Effectiveness of Educational Multimedia on Academic Achievement and Development of Social Skills of Mentally Retarded Students. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 7(1): 91-106. [In Persian]
- Bhat, P. P. and Rajashree, R. (2017). The Need for Using Structured Cooperative Learning Strategies in Undergraduate Medical Education. *Journal of Research in Medical Education & Ethics*, 7(1): 9-12.
- Ghafari, K., Kazempour E. (2012). The Effect of Participatory Learning Method on Students' Social Skills Development, *Leadership and Educational Management Journal*, 19: 87-106. [In Persian]
- Gresham, F. M., Elliott, S. N. (1990). *Social Skills Rating System*. Circle Pines, MA: American Guidance Services.
- Hakimzadeh, R., Darani, K., Ghorbani, H., Mansoubi, S., Ghajargir, Z.(2014). Investigating the Effect of Collaborative Teaching Methods Using Individual and Collective Empowerment on the Advancement of English Language Learning. *Research in Teaching Journal*, 2 (1): 5-18. [In Persian]
- Jafari Sani, H., Hejazi, Z., Vaghari Zamharir, Z. (2016). The study of the effect of group teaching method on social skills development of students. *Cognitive Learning Strategies in Learning*, 4(7): 23-41. [In Persian]
- Keramati, M.R. (2007). The Effect of Collaborative Learning on the Development of Social Skills and Math. *Journal of Psychology and Education*, 37 (1): 39-55. [In Persian]
- Klimoviene, G., & Statkeviciene, S. (2006). Using cooperative learning to develop language competence and social skills. *Studies about Languages*, 8: 77-83.
- Lavasani, M, Afzali, L., Borhanzadeh, S., Afzali, F. and Davoodi, M. (2014). The effect of cooperative learning on the social skills of first grade elementary school girls. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15:1802-1805.
- López-Mondéjar, L. M. and Pastor, L. M. T. (2017). Development of Socio-emotional Skills through Cooperative Learning in a University Environment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 237: 432-437.
- Moghimi, S.M., Ramezani, M. (2013). *Management of organizational behavior*. Tehran: Industrial Management Institute. [In Persian]

- Ozkan, H., Dalli, M., Bingol, E., Metin, S. C. and Yarali, D. (2014). Examining the Relationship between the Communication Skills and Self-efficacy Levels of Physical Education Teacher Candidates. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 152: 440-445.
- Pawattana, A, Prasarnpanich, S. and Attanawong, R. (2014). Enhancing Primary School Students' Social Skills Using Cooperative Learning in Mathematics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 112: 656-661.
- Rahimimand, M., Abbaspour., A. (2016). The relationship between teaching methods (group discussion, question and answer, scientific presentation and lecture), the motivator of progress in students. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, 12(39):2-24. [In Persian]
- Sepehrian Azar, F. (2016). The Impact of Jigsaw's Participatory Learning Method on the Student's Basic Psychological Needs. *Journal of Research in Virtual and Vocational Learning*, 4(13): 21-30. [In Persian]
- Shams, A., Abdoli, B., Shamsipour Dehkordi, P. (2013). Comparison of the Effect of Participatory, Competitive and Individual Learning Approaches on Selected Factors of Physical and Motor Fitness of Students: The role of mediating perfectionism and self esteem. *Journal of Motor Behavior*, 12: 47-64. [In Persian]
- Waiganjo, M. M. (2006). Effects of cooperative learning approach on academic achievement in agriculture and acquisition of social skills by secondary school students in bahati division. Unpublished master thesis. Kenya, Egerton University.
- Yazdani, B., Hosseini Nasab, S.D., Farnia, M.A. (2014). The Effect of Computer-Aided Education (CAI) Compared to Traditional Learning Method on Second Language Learning in Second Language High Schools of Tabriz. *Educational and Evaluation*, 7(26): 59-74. [In Persian]